

هنجارگریزی زبانی فواصل آیات از دیدگاه ابن صائغ (مطالعه موردی: ۱۵ جزء آغازین قرآن)

فرزانه تاج آبادی^۱
مریم قیاس زارعیان^۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های برجسته زبان قرآن، هنجارگریزی زبانی است که ساختار کلی این متن را به شکلی پویا تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر درصدد است تا به روش کتابخانه‌ای و براساس نظر ابن صائغ و شیوه‌هایی که وی برای ایجاد مراعات فواصل آیات ارائه می‌کند، این پدیده زبانی را در فواصل آیات پانزده جزء آغازین قرآن (مجموعاً ۲۲۶۷ آیه) مورد واکاوی قرار دهد و با ارائه نمونه‌های عینی و مصداقی، چگونگی بازنمایی این پدیده زبانی را به شیوه کیفی و کمی در متن قرآن به نمایش بگذارد. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که از ۴۰ مورد الگوی فراهنجاری که ابن صائغ ارائه کرده است، ۲۵ مورد آن در ۴۰ درصد داده‌های مورد مطالعه به وقوع پیوسته است؛ فراهنجارهای دستوری از نوع نحوی بیشترین سهم در میان تغییرات را به خود اختصاص داده‌اند و هنجارگریزی‌های واژگانی و آوایی با اختلاف چشمگیری در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند؛ برجسته‌ترین نوع ساختار شکنی به ترتیب مربوط به تقدّم جار و مجرور، حذف مفعول، تأخر مفعول و گزینش صیغه مبالغه است و این که رابطه معنی‌داری بین نوع و فراوانی تغییرات و تعداد آیات سور وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: هنجارگریزی، زبان معیار، قرآن، فواصل آیات، ابن صائغ.

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸ |DOI: 10.52547/PAQ.9.3.79

f_tajabadi@sbu.ac.ir

۱- نویسنده مسئول: استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی

۲- کارشناسی ارشد، پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی m.ghiyaszareian@mail.sbu.ac.ir

۱. مقدمه

هنجارگریزی یا فراهنجاری زبانی^۱ یکی از ویژگی‌های زبانی قرآن است که در سطوح مختلف متن، به‌ویژه در بخش پایانی آیات صورت‌گرفته و منجر به ایجاد نوعی تناسب و هماهنگی در فواصل آیات شده‌است. فراهنجاری که نوعی فرایند برجسته‌سازی محسوب می‌شود (موکاروفسکی^۲، ۱۳۷۱، ۹۰) به معنای گریز از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم مطابقت با زبان متعارف است (انوشه، ۱۳۸۱، ۱۴۵). به عبارت دیگر، هنجارگریزی عبارت است از شکستن نرْم منطقی و طبیعی زبان با نگرش هنرمندانه که به موجب آن عناصر زیباشناختی و ادبی کلام مجال ظهور پیدامی‌کنند. با در نظر گرفتن اقسام هشت‌گانه فراهنجاری زبانی که عبارت‌اند از معنایی^۳، واژگانی^۴، دستوری^۵ (شامل هنجارگریزی نحوی^۶ و ساختوازی^۷)، آوایی^۸، نگارشی^۹، سبکی^{۱۰}، درزمانی^{۱۱} و گویشی^{۱۲} (Leech, 1969, 42-52) به نظرمی-نظرمی‌رسد که فراهنجاری‌های زبانی به‌کار رفته در متن قرآن بیشتر از نوع فراهنجاری‌های دستوری، معنایی، واژگانی و آوایی است که هر یک از آن‌ها خود شامل زیربخش‌هایی با الگوهای خاص خود است. شایان ذکر است که هنجارگریزی نگارشی که نوعی انحراف در نوشتن است و در گفتار معادلی ندارد، تنها نوعی از فراهنجاری زبانی است که در قرآن مشاهده نمی‌شود. به‌کارگیری انواع مختلف این فراهنجاری‌ها در متن قرآن باعث می‌شود به شکلی بین فرم و محتوای آیات تناسب ایجادشود و در واقع نوعی توازن آوایی، واژگانی و نحوی پدیدار شود که همه این موارد نهایتاً افزایش ظرفیت زبانی متن قرآن را به همراه می‌آورد. نکته حائز اهمیت این است که با وجود کاربرد فراوان هنجارگریزی‌ها در متن قرآن، دو اصل زیبایی‌شناسی و رسانگی به‌خوبی رعایت‌شده‌است و متن هیچ‌گاه دچار سردرگمی و یا

^۱. linguistic deviation (LD)

^۲. Mukařovský

^۳. Semantic Deviation

^۴. lexical deviation

^۵. grammatical Deviation

^۶. syntactic deviation

^۷. morphological deviation

^۸. phonological Deviation

^۹. graphological Deviation

^{۱۰}. Deviation of Register

^{۱۱}. deviation of Historical Period

^{۱۲}. dialectal deviation (Dialectism)

نارسایی معنایی نگردیده است. در یک کلام می‌توان گفت که بهره‌گیری از این فرایند زبانی نه تنها به زیبایی، فصاحت و بلاغت قرآن افزوده، بلکه به آفرینش سبکی برجسته و منحصر به فرد نیز انجامیده - است. بی‌تردید آنچه سبب می‌شود که شگردهای هنجار‌گزینی در قرآن مورد توجه و بررسی قرار گیرد، همین تمایز و بیان منحصر به فرد آن است که چیزی مرسوم و متداول و از جنس دیگر آثار ادبی نیست. باید به خاطر داشت که اگرچه اصطلاح هنجار‌گزینی که یکی از مفاهیم زبان‌شناختی مطرح در نظریه صورت‌گرایان روسی است، در دهه‌های اخیر مطرح شده‌است، به‌کارگیری این مفهوم در ادبیات عرب سابقه‌ای طولانی داشته و افرادی چون ابن‌جنی، جرجانی و سکاکی با تعابیر مختلفی مانند عدول، انحراف، خروج، الانزیاح و منافره العاده به آن پرداخته‌اند (ویس، ۲۰۰۲، ۳۸). قرآن‌پژوهان نیز به‌ویژه افرادی که به موضوع تناسب و رعایت فواصل قرآن پرداخته‌اند، با این مفهوم آشنا بوده و در مباحث خود تحت عناوینی مختلف به آن پرداخته‌اند. برای نمونه المرسی (۱۴۲۰، ۱۰۰-۹۲) در رابطه با فواصل آیات به نمونه‌هایی از انحراف‌های صورت‌گرفته از زبان معیار مانند تقدم معمول بر عامل، تقدم زمانی، تقدم فاضل بر افضل، تقدم ضمیر بر مفردش، تقدم صفت جمله بر صفت مفرد، حذف یاء منقوص، حذف یاء فعل غیر مجزوم، حذف یاء اضافی، صرف غیرمنصرف، ترجیح قرائت و عدم تطابق دو قسمت آیه، اشاره کرده‌است. خضر (۱۴۲۰، ۱۴۰-۷۲) نیز در باب تغییرات فواصل، نمونه‌های متعددی را ذکر کرده‌است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: حروف متقاربه المخارج فی الفواصل، وقف بر فواصل، حذف حرف، زیادت حروف، زیادت هاء سکت، لزوم ما لایلزم، التزام به دو حرف، التزام به سه حرف، تغییرات مبنایی واژه، تقدم و تأخرها نظیر تقدم فاعل بر مفعول، تقدم جار و مجرور، تقدم ضمیر بر آنچه تفسیرش می‌کند، تأخر منادا، تقدم خبر کان بر اسمش، تأخیر معطوف بر جایگاهش، تأخر مفعول بر جایگاهش، تقدم فاضل بر افضل، تقدم زمین بر آسمان، تأخر صفت مفرد بر صفت جار و مجرور، جایگزینی مفعول به جای فاعل، اکتفا مفرد از مثنی، اکتفا مثنی از مفرد، اکتفا جمع به مثنی، آوردن غیر عاقل به جای عاقل، اکتفا مفرد به جای جمع، اکتفا مؤنث در محل مذکر، اکتفا مذکر در محل مؤنث و واقع نمودن حرفی به جای دیگری. ابوحسان (۱۴۳۱، ۳۲۲-۱۹۷) همچنین در این رابطه از مواردی مانند حذف یاء، حذف فاعل و مفعول، زیادت حروف، زیادت هاء سکت، تقدم و تأخر، تقدم مسندالیه بر خبر فعل، تقدم افضل بر فاضل، اکتفا مفرد از مثنی، اکتفا مثنی از مفرد، اکتفا جمع به مثنی، اکتفا مفرد به جای جمع، اکتفا مؤنث در محل مذکر، جایگزین کردن ظاهر به جای ضمیر و تکرار

نام‌برده‌است. علاوه‌براین موارد، زرکشی (۱۴۱۰، ج: ۱: ۶۷-۶۰) نیز در کتاب خود به ۱۲ مورد از این فراهنجارها اشاره کرده و ابن صائغ هم ۴۰ مورد از آن‌ها را برشمرده‌است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج: ۲: ۱۹۱). با توجه به مقدمه کوتاهی که ذکر شد و نقش پررنگی که این پدیده زبانی در متن قرآن ایفای کند، جستار حاضر درصدد است تا بر اساس نظر ابن صائغ و مواردی که وی برای ایجاد مراعات فواصل آیات ارائه می‌کند، این پدیده را در متن قرآن مورد واکاوی قرار دهد و با ارائه نمونه‌های عینی و مصداقی، چگونگی بازنمایی این پدیده زبانی را در فواصل آیات به نمایش بگذارد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که انواع هنجارگریزی به کار رفته در فواصل آیات ۱۵ جزء آغازین قرآن بر اساس ملاک‌های ارائه‌شده از سوی ابن صائغ کدام‌اند و برجسته‌ترین موارد در کدام دسته جای می‌گیرند؟

شایان ذکر است که در پژوهش‌های قرآنی، تعاریف متفاوتی برای فاصله آیات ارائه شده است و پژوهشگران واحدهای مختلف زبانی‌ای را برای آن در نظر گرفته‌اند. برای نمونه رمانی (۱۴۲۹، ۹۷) و باقلانی (۱۴۲۱، ۵۱) فاصله را حروف همانند و هم‌شکلی در نظر گرفته‌اند که در مقاطع آیات می‌آیند و در فهم معانی مؤثر هستند. الدانی (۱۴۱۴، ۱۲۶) و خضر (۱۴۲۰، ۵) فاصله را کلمه آخر جمله و زرکشی (۱۴۱۰، ج: ۱: ۱۵۰)، سیوطی (۱۴۲۱، ۱۸۶) و آیدین (۱۴۰۹، ۵۴) آن را کلمه آخر آیه در نظر گرفته‌اند. ابن منظور (۱۴۱۴، ج: ۱۱: ۵۲۴) و ابن خلدون (۱۴۰۴، ج: ۱: ۷۸۱) فاصله را پایان آیه می‌دانند. حسناوی (۱۴۲۱، ۲۹) آن را توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن تعریف کرده‌است. یافی (۱۴۰۴)، فاصله را همان حروف روی یا قطعه یا جزء پایانی آیه در نظر گرفته‌است. آخوندی (۱۳۹۶) آن را از دو جنبه صوتی و دلالتی تعریف کرده‌است. طبق گفته وی از نظر صوتی می‌توان فواصل را حروف و کلمه پایانی آیات در نظر گرفت و از منظر دلالتی، می‌توان آن را عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات در نظر گرفت که در مضموم و محتوای آیه تأثیرگذار هستند. در انجام تحقیق حاضر، نظر آخوندی (۱۳۹۶) به عنوان معیار انتخاب فواصل در نظر گرفته شده‌است.

در ادامه پس از مرور پیشینه مطالعات و توضیح چگونگی انجام تحقیق، داده‌های مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نتیجه‌گیری کلی ارائه می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

همان‌طور که پیشتر اشاره‌شد، استفاده از اصطلاح هنجار‌گزینی تنها در چند دهه اخیر در مطالعات ادبی باب شده‌است و سابقه‌ای دیرینه ندارد و کاملاً بدیهی است که نمی‌توان انتظار داشت آثار فراوانی در رابطه با کاربرد و پیاده‌سازی آن در قرآن وجود داشته‌باشد. در این بخش مروری خواهیم‌داشت به پژوهش‌هایی که به موضوع فراهنجارهای زبانی در قرآن پرداخته‌اند.

خرقانی (۱۳۹۰) از منظر معناشناختی و زیباشناختی به بررسی نمونه‌هایی از فراهنجاری‌های پایان آیات پرداخته و آن‌ها را در چهار محور افزایش و کاهش برخی حروف و واژگان در فواصل آیات، دگرگونی در چینش سخن و گزینش برخی ساخت‌های سخن به جای برخی دیگر همچون کاربرد مفرد، مثنی و جمع به جای یکدیگر و یا استفاده از جمله اسمیه و فعلیه به جای یکدیگر، به بحث گذاشته‌است. یافته‌های تحقیق وی حاکی از آن است که اولاً نقش زیبایی‌های لفظی و نکات معنایی با توجه به نوع تغییرات متفاوت است؛ ثانیاً در افزوده‌شدن یا کاسته‌شدن برخی حروف در فواصل آیات، جنبه‌های آوایی پررنگ‌تر می‌شود اما در چینش و گزینش ساختارهای سخن، معنا عنصر اصلی به‌شمار می‌رود. مختاری و فرجی (۱۳۹۲) به موضوع آشنایی‌زدایی در جزء سی‌ام قرآن پرداخته‌اند. آن‌ها با انتخاب چند آیه به صورت گزینشی، هنجار‌گزینی نحوی و قاعده‌افزایی‌های صورت‌گرفته در آن‌ها را مورد واکاوی قرار داده و نتیجه‌گرفته‌اند که توازن آوایی، نمونه عالی قاعده‌افزایی در قرآن محسوب می‌شود و هدف قرآن از استفاده از این شگرد، القای معنای ثانویه و درک بهتر منظور نهفته در آیات است. رجایی و خاقانی اصفهانی (۱۳۹۳) به مطالعه نقش هنجار‌گزینی واژگانی در کشف لایه‌های معنایی قرآن پرداخته‌اند. آن‌ها با گزینش برخی از آیات قرآن، نقش این هنجار‌گزینی را در درک مفاهیم جدید معنایی مورد بررسی قرار داده و نتیجه‌گرفته‌اند که در پرتو به‌کارگیری این روش می‌توان به برداشت‌های تازه‌ای از معانی قرآنی دست‌یافت، از جمله این‌که آخرت باطن دنیا است؛ تلاوت‌نکردن قرآن، کفر به آن شمرده می‌شود و مواردی از این دست. از طرف دیگر، نتایج پژوهش مختاری و شانقی (۱۳۹۵) در رابطه با موضوع هنجار‌گزینی نحوی سوره کهف، نشان می‌دهد که تقدیم و تأخر، حذف، اضافه و التفات پربسامدترین نمونه‌های هنجار‌گزینی نحوی این سوره محسوب می‌شوند. قلیچ‌پاسه و بیات کشکولی (۱۳۹۶) نیز با تحلیل نمونه‌هایی عینی از هنجار‌گزینی نحوی در سوره بقره نتیجه‌گرفته‌اند که این نوع هنجار‌گزینی ضمن ایجاد طنین دلنشین در آیات، اهداف معناشناختی‌ای را دنبال می‌کند. تقدیم و تأخیر، حذف و اضافه و التفات در ضمایر، افعال و یا اسامی از مصادیق هنجار‌گزینی نحوی

در سوره بقره است که در این میان، هنجارگریزی از نوع حذف، نمود بیشتری دارد و همه این موارد در عمق معنا و زیبایی قرآن تأثیرگذار است. تحلیل و بررسی زیباشناختی فراهنجارهایی همچون حذف، التفات، اطناب، تقدیم و تأخیر و نظیر آن در پارهای از سوره‌های قرآن که توسط جعفرنژاد و مجیدی (۱۳۹۷) صورت گرفته نیز بیانگر آن است که با استفاده از این روش می‌توان تا حدودی به لایه‌های پنهان معنایی آیات قرآن دست یافت که این موضوع فهم عمیق‌تر آیات الهی را به ارمغان می‌آورد. همچنین، حیدری و سلیمان‌زاده نجفی (۱۳۹۷) با بررسی گونه‌های مختلف فراهنجار از نوع تقدیم حال در قرآن نتیجه گرفته‌اند که این فراهنجاری غالباً در دو سطح حال مفرد و حال شبه‌جمله به کاررفته و این عدول بیشتر به انگیزه تعمیم، اختصاص و ترغیب مخاطب رخ داده است. علاوه بر موارد فوق، نتیجه پژوهش فرضی شوب و محمدی‌نژاد (۱۳۹۸) در رابطه با موضوع هنجارگریزی نحوی در سطح جانشینی اسم به جای فعل در گفتمان قرآنی که از بسامد بالایی برخوردار است، بیانگر آن است که انحراف از استخدام فعل در قرآن در سه سطح جایگزینی ابتدایی اسم به جای فعل، جایگزینی اسم هم‌ریشه به جای فعل و جایگزینی اسم متضاد به جای فعل صورت گرفته و هدف از به کارگیری این فراهنجاری‌ها برجسته‌سازی اغراضی چون تناسب زمان، عدم تعلق غرض به فاعل، تأکید بر وقوع رخداد و یا ثبات آن بوده است. صدیقی‌خانلو و پاشازانوس (۱۳۹۸) نیز با بررسی بُعد معنایی هنجارگریزی صرفی در دو سوره انعام و اعراف چنین نتیجه گرفته‌اند که اگرچه این هنجارگریزی در سطح کلمات صورت می‌گیرد، دلالت‌ها و معانی را تغییر می‌دهد و معنای جدیدی خلق می‌کند. همچنین تفاسیر قدما در این رابطه در بیشتر موارد با توجیهاتی نظیر تقدیرهای نحوی و یا حمل بر معنا و نه لفظ موجود صورت گرفته است و به همین دلیل آن‌ها نتوانسته‌اند به معنای دقیقی که به کمک این رویکرد می‌توان به آن دست یافت، پی‌ببرند. راستگو و جنتی اصل (۱۳۹۸) تلاش کرده‌اند تا تبیینی برای فراهنجاری نحوی از نوع عدول از ماضی به استقبال در قصص قرآنی و کاربرد معنایی آن ارائه کنند. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که این هنجارگریزی‌ها می‌تواند مفاهیمی همچون اثبات اختیار و نفی جبر، رسوخ کفر و پندارهای باطل، عمومیت ترفیع درجات، تناسب کار و جزا و غیره را بر خواننده عرضه کند و کارکردهای متنوعی از جمله کارکرد انگیزشی، اکتشافی، ارتباطی و زیبایی‌شناختی داشته باشد. فلاحی و همکاران (۱۳۹۹) با واکاوی جزء ۲۹ام قرآن از منظر هنجارگریزی نحوی و ارائه نمونه‌هایی از این نوع فراهنجاری نتیجه گرفته‌اند که هنجارگریزی نحوی در این بخش از قرآن در قالب تقدیم و تأخیر، با هدف برجسته کردن

بخشی از کلام، به شکل حذف با هدف اختصار و زیبایی شناسی، به صورت التفات با هدف زیبایی کلام و رسایی مفهوم و در قالب تکرار به منظور تأکید استفاده شده است. اناری بزچلوئی و همکارانش (۱۳۹۹) نیز با تکیه بر نظریه فرمالیسم به بیان برجسته سازی (قاعده کاهی و قاعده افزایی) از منظر لیچ در سوره طه پرداخته و ارتباط و تناسب ساختار آیات با محتوا و نام سوره را بررسی کرده اند. به نظر آن ها این نوع از هنجارگریزی صرفاً برای بیان زیبایی ادبی و ظاهری قرآن به کار نرفته است؛ بلکه هدف اصلی آن بیان مضمون و محتوای کلام بوده است. همچنین توازن آوایی موجود در کلمات سوره طه، هماهنگ با نام سوره بوده که به شکلی بر انسجام متن افزوده است.

نگاهی به پیشینه مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که بیشتر آثار ارزشمند موجود تنها بر روی محتوای یک یا چند سوره متمرکز بوده و در اکثر موارد تنها به ذکر چند نمونه از هنجارگریزی های موجود در سوره بسنده شده است. علاوه بر این، به جز یک مورد، به موضوع هنجارگریزی در فواصل قرآن که از بارزترین نمونه های کاربرد این شگرد زبانی هستند، توجهی نشده است که همین موضوع ضرورت انجام پژوهش حاضر و نوآوری آن را نشان می دهد.

۳. روش و چارچوب نظری تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، تغییرات ساختاری صورت گرفته در فواصل قرآنی پانزده جزء اول را بر اساس نظر شیخ شمس الدین بن الصائغ در کتاب إحصاء الرأی فی أحكام الای (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۹۱) مورد بررسی قرار می دهد. وی مناسبت در لغت عرب را امری مطلوب دانسته که به خاطر آن أحياناً با قواعد استاندارد زبان مخالفت می شود. وی به ۴۰ مورد از این تخطی ها یا هنجارگریزی های زبانی اشاره کرده است که همگی آن ها در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. به منظور انجام پژوهش حاضر، ابتدا داده های پژوهش که شامل فواصل آیات تمامی سوره موجود در پانزده جزء اول قرآن (فاتحه، بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر، نحل، اسراء و كهف) است (مجموعاً ۲۲۶۷ آیه) استخراج و مشخصات صرفی و نحوی هر یک از آن ها تعیین شد. شایان ذکر است سوره كهف که بخشی از آن در جزء پانزدهم و بخشی در جزء شانزدهم قرار دارد نیز در این تحقیق به صورت کامل مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن حجم بالای داده های مورد بررسی، به منظور جلوگیری از هرگونه خطای احتمالی انسانی، داده های اولیه از

پیکره عربی قرآنی (Quranic Arabic Corpus) متعلق به دانشگاه لیدز استخراج گردید. سپس برچسب‌های نحوی و صرفی^۱ داده‌ها با بهره‌گیری از پیکره پایگاه جامع قرآنی (<https://quran.inoor.ir>) تعیین شد. در ادامه تلاش شد که بر اساس ملاک‌های چهل‌گانه ارائه‌شده از سوی ابن صائغ (جدول ۱) در رابطه با تغییرات صورت‌گرفته در فواصل آیات، تمامی فواصل مورد مطالعه قرارگیرد و در صورت وجود هر گونه تغییر، نوع و فراوانی آن تعیین و محاسبه‌شود. سپس مقایسه‌ای بین سور مکی و مدنی از این منظر صورت‌گرفت و در نهایت جمع‌بندی کلی ارائه‌شد. شایان ذکر است به دلیل محدودیت‌های موجود در رابطه با تعداد کلمات و صفحات مقاله، در هر مورد از موارد چهل‌گانه، تنها به ذکر یک نمونه بسنده‌شده‌است که این مثال‌ها همگی در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱: انواع تغییرات فواصل آیات بر اساس نظریه ابن صائغ (سیوطی، (۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۱)

| ردیف | نوع تغییر | ردیف | نوع تغییر | ردیف |
|------|---|------|--|------|
| ۱ | مقدم داشتن معمول بر عامل یا معمولی دیگر که حقیقش آن بود که مقدم شود یا مقدم داشتن خبر «کان» بر اسم آن یا مقدم شدن فاعل • "إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ" (فاتحه/۵) در این آیه، تقدم معمول بر عامل صورت‌گرفته و "ایاک" که مفعول جمله است، بر فعل مقدم‌شده است. | ۲۱ | اکتفا به مفرد از آوردن جمع • "وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا" (فرقان/۷۴) در این آیه، واژه "ائمه" باید مانند "وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَمًا يَهْتَدُونَ" به صورت جمع به‌کارمیرفته ولی به‌منظور رعایت نظم فواصل آیات، مفرد آمده است. | |
| ۲ | مقدم داشتن آنچه در زمان متأخر است • "إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ" (آل عمران/۵) با وجود این‌که از نظر زمانی، آفرینش آسمان زودتر از زمین بوده‌است، در این آیه لفظ زمین بر آسمان مقدم‌شده که بیانگر نوعی هنجارگریزی زبانی است. | ۲۲ | اکتفا به تثنیه از آوردن مفرد • "وَلِمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ" (رحمان/۴۶) در اینجا منظور «جنة» است مانند (فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى) (نازعات/۴۱)، ولی واژه به صورت تثنیه ذکر شده است. | |
| ۳ | مقدم نمودن فاضل بر افضل | ۲۳ | اکتفا به جمع از آوردن تثنیه | |

^۱.syntactic and morphological tags

| | | | |
|---|----|---|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (فصلت/ ۱۱) <p>با آن که آسمان و زمین، مثنی محسوب می‌شوند، اما به دلیل رعایت فاصله، واژه «طائِعین» به صورت جمع آمده است.</p> | | <ul style="list-style-type: none"> • "بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى" (طه/ ۷۰) <p>از نظر شخصیتی و اهمیت، موسی بر هارون ارجحیت دارد ولی در این آیه، لفظ هارون بر موسی مقدم شده است.</p> | |
| <p>اکتفا به جمع از آوردن مفرد</p> <ul style="list-style-type: none"> • لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خِلَالَ (ابراهیم/ ۳۱) <p>با توجه به این که واژه بیع مفرد است، انتظار می‌رود که کلمه "خِلَالَ" نیز به صورت مفرد به کار رود، حال آنکه به صورت جمع آمده است.</p> | ۲۴ | <p>مقدم داشتن ضمیر بر چیزی که آن را تفسیر می‌کند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • "فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى" (طه/ ۶۷) <p>ضمیر مفرد مذکر غائب "ه" بر واژه "موسی" که مرجع ضمیر است، مقدم شده است.</p> | ۴ |
| <p>غیر عاقل را به مانند عاقل به کار بردن</p> <ul style="list-style-type: none"> • إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (یوسف/ ۴) <p>سجده که یکی از اعمال ارادی بشر است در مورد ستاره، خورشید و ماه که فاقد اراده هستند، به کاررفته که نوعی تشخیص بخشی است.</p> | ۲۵ | <p>مقدم آوردن صفت از نوع جمله بر صفتی که مفرد است.</p> <ul style="list-style-type: none"> • "وَ نُخْرِجْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا" (اسراء/ ۱۳) | ۵ |
| <p>إمالة آنچه إمالة نشود</p> <ul style="list-style-type: none"> • "يَلُوكِ إِذْ أَقْسَمْتُمْ ضِيْرِي" (نجم/ ۲۲) <p>منظور از إمالة، میل دادن صدای فته به کسره یا الف به یا است که به منظور نیکو شدن قرائت قرآن صورت می‌گیرد. إمالة در واقع نوعی فرایند واجی محسوب می‌شود که به واسطه آن واکه یک هجا با واکه هجای دیگر همگون می‌شود. در این آیه، کسره در واژه "ضیْرِي" به سمت الف میل پیدا می‌کند.</p> | ۲۶ | <p>حذف یاء منقوص معرفه</p> <ul style="list-style-type: none"> • "الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ" (رعد/ ۹) <p>صورت اصلی واژه "المتعال" به شکل "متعالی" - است اما در این آیه، حرف "ياء" آن به دلیل تناسب فواصل آیات، حذف شده است.</p> | ۶ |
| <p>آوردن صیغه مبالغه و ترک آن در موارد دیگر</p> <ul style="list-style-type: none"> • "...وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرٍ فَإِنَّ لَلَّ شَاكِرٍ عَلِيمٍ" (بقره/ ۱۵۸) <p>"عَلِمٌ لَغَيْبٍ وَلَشَهَادَةٍ لِّكَبِيرٍ لِمُتَعَالٍ" (رعد/ ۹)</p> <p>"قدیر و علیم" و به کارنبردن آن در موارد دیگر از قبیل "هو القادر" و "عالم الغیب". در این موارد</p> | ۲۷ | <p>حذف یاء فعل غیر مجزوم</p> <ul style="list-style-type: none"> • "وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ" (فجر/ ۴۰) د <p>در کلمه "یسر"، حرف یاء حذف شده است.</p> | ۷ |

| | | | |
|--|-----------|--|-----------|
| | | | |
| <p>به دلیل رعایت فواصل آیات، صیغه مبالغه‌ای که با فواصل از نظر موسیقایی هم‌خوانی دارد، انتخاب شده است.</p> | | | |
| <p>ترجیح استفاده از برخی از اوصاف مبالغه بر بعضی دیگر</p> <ul style="list-style-type: none"> • "إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ" (ص/۵) <p>در این مورد واژه "عجاب" به جای واژه "عجیب" به کار رفته است.</p> | <p>۲۸</p> | <p>حذف یاء اضافه</p> <ul style="list-style-type: none"> • "فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ" (رعد/۳۲) <p>شکل اصلی واژه به صورت "عقابی" بوده که در اینجا حرف یاء آن حذف شده است.</p> | <p>۸</p> |
| <p>فاصله‌انداختن بین معطوف و معطوف علیه</p> <ul style="list-style-type: none"> • "وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى" (طه/۱۲۹) <p>بین کلمه "سبقت" و "اجل مسمی" فاصله ایجاد شده است.</p> | <p>۲۹</p> | <p>زیاد کردن حرف مد یا باقی گذاشتن آن با وجود حرف جزم</p> <ul style="list-style-type: none"> • (الظنون)، (الرسولا)، (السببلا) <p>به انتهای این واژگان، حرف "الف" اضافه شده است.</p> | <p>۹</p> |
| <p>جایگزین کردن ظاهر به جای ضمیر</p> <ul style="list-style-type: none"> • "وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ" (اعراف/۱۷۰) <p>به جای آوردن "اجرهم"، "اجر المصلحین" آمده است.</p> | <p>۳۰</p> | <p>صرف نمودن غیر منصرف</p> <ul style="list-style-type: none"> • "قواریرا# قواریرو ... " (انسان/۱۶-) <p>(۱۵)</p> <p>با وجود آنکه واژه "قواریر" غیرمنصرف است، تنوین پذیرفته است.</p> | <p>۱۰</p> |
| <p>واقع شدن مفعول به جای فاعل</p> <ul style="list-style-type: none"> • "حِجَابًا مُّسْتَوْرًا" (اسراء/۴) <p>واژه "ساترا" استفاده نشده و به جای آن "مستورا" به کار رفته است.</p> | <p>۳۱</p> | <p>گزینش و ترجیح صفت مذکر برای اسم جنس</p> <ul style="list-style-type: none"> • "أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعٍ" (قمر/۲۰) <p>"نخل" اسم جنس است ولی صفت آن به شکل مذکر آمده است.</p> | <p>۱۱</p> |
| <p>واقع شدن فاعل به جای مفعول</p> <ul style="list-style-type: none"> • "فِي عَيْشِهِ رَاضِيَةٌ" (حاقه/۶) <p>واژه "راضیه" باید به صورت "مرضیه" به کار می‌رفت که با توجه به رعایت فواصل آیات، به این شکل آمده است.</p> | <p>۳۲</p> | <p>گزینش و ترجیح صفت مؤنث برای اسم جنس</p> <ul style="list-style-type: none"> • "أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ" (حاقه/۷) <p>"نخل" اسم جنس است ولی صفت آن به شکل مؤنث آمده است.</p> | <p>۱۲</p> |
| <p>فاصله بین موصوف و صفت</p> <ul style="list-style-type: none"> • "أُخْرِجَ الْمَرْعَىٰ * فَجَعَلَهُ غَنَاءً أَحْوَىٰ" (اعلیٰ/۴،۵) <p>«أحوی» صفت «المرعی» است که بین آن‌ها فاصله ایجاد شده است.</p> | <p>۳۳</p> | <p>ترجیح بیان قرآنتی نسبت به قرائت دیگر</p> <ul style="list-style-type: none"> • "هَبْنِي لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشْدًا" (کهف/۱۰) <p>به دلیل رعایت فواصل، اقتصار بر یکی از دو وجه جایزی که در قرائت‌های هفتگانه به آن دو خوانده شده است، صورت گرفته و واژه "رشدا" به کار رفته است.</p> | <p>۱۳</p> |

| | | | |
|---|-----------|---|-----------|
| <p>واقع نمودن حرفی به جای دیگری</p> <ul style="list-style-type: none"> • "بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا" (زلزله/۵) <p>در این مورد، "لها" به جای "الیها" به کار رفته است.</p> | <p>۳۴</p> | <p>آوردن جمله‌ای که با آن ما قبلش رد شده بر غیر وجه مطابقه در جمله اسمیه و فعلیه</p> <ul style="list-style-type: none"> • "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ" (بقره/۸) <p>بین گفته منافقین «آمنّا» و «ما» مطابقه صورت- نگرفته است و با آن رد نشده است که بفرماید: «لم يؤمنوا»، یا «ما آمنوا»</p> | <p>۱۴</p> |
| <p>تأخیر انداختن وصف غیر بلیغ و مقدم داشتن بلیغ تر</p> <ul style="list-style-type: none"> • "الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ" (فاتحه/۱)، • "رُؤْفَ رَحِيمٍ" (توبه/۱۲۸) <p>بلاغت یعنی این که یک عبارت در کنار فصاحت آن به نوعی بیان شود که مطابق با مقتضای حال باشد؛ یعنی با سنجش شرایط و زمینه‌های گوناگون سخن، مانند شرایط زمانی و مکانی، شرایط گوینده و شنوندگان به نحو زیبا و صحیح ادا گردد. در قرآن نیز در تمامی موارد، حال مخاطب و گوینده رعایت شده است. در آیه ۱ سوره فاتحه با وجود آنکه "رافت" نسبت به "رحمان" بلیغ تر است، واژه "رحمان" به کار رفته است.</p> | <p>۳۵</p> | <p>عدم تطابق دو قسمت جمله با یکدیگر</p> <ul style="list-style-type: none"> • "... فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ" (عنکبوت/۳) <p>با توجه به "الذین صدقوا" انتظار می‌رود که در ادامه "الذین کذبوا" آورده شود.</p> | <p>۱۵</p> |
| <p>حذف فاعل و نیابت دادن مفعول</p> <ul style="list-style-type: none"> • "وَ مَا لِأَخِذٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ" (لیل/۱۹) <p>با توجه به آنکه فعل به صورت مجهول بیان شده، فاعل حذف شده است و "هی" نائب فاعل در نظر گرفته شده است.</p> | <p>۳۶</p> | <p>آوردن یکی از دو جزء دو جمله برخلاف وجهی که نظیر آن در جمله دیگری آورده شده</p> <ul style="list-style-type: none"> • "... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ" (بقره/۱۷۷) • "... فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ" (عنکبوت/۳) <p>با توجه به مفاهیم دو آیه، در آیه اول اشاره به متقین و در آیه دوم اشاره به کاذبین شده که در تقابل با متقین است.</p> | <p>۱۶</p> |
| <p>آوردن «هاء» سکت</p> <ul style="list-style-type: none"> • "مَا أَعْنَىٰ عَنِّي مَالِيَه" (حاقه/۲۸) <p>هاء سکت، فقط در آخر فعل‌های ناقص و مجزومی می‌آید که حرف آخر آنها حذف شده و</p> | <p>۳۷</p> | <p>ترجیح آوردن غریب‌ترین لفظ</p> <ul style="list-style-type: none"> • "... قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ" (نجم/۲۲) <p>واژه "ضیزی" جزء غریب‌ترین واژگان زبان عربی است.</p> | <p>۱۷</p> |

| | | | |
|---|----|---|----|
| <p>حرکت حرف پیش از آنها بر حذف شدن حرف آخر دلالت می‌کند. با اضافه نمودن هاء سکت به آخر این گونه فعل‌ها، حرکت مزبور هنگام وقف نیز ثابت می‌ماند. اما در این آیه، هاء سکت به دلیل رعایت فواصل آیات به آخر اسم اضافه شده است.</p> | | | |
| <p>جمع بین مجرورها • "ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا" (اسراء/ ۶۹) سه حرف اضافه "لام" و "علی" و "باء" با هم به-کار رفته است.</p> | ۳۸ | <p>اختصاص دادن هر یک از دو مشترک به یک مورد • "... وَ لِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ" (ابراهیم/ ۵۲) • "إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ" (طه/ ۱۲۸) به دلیل رعایت نظم موسیقایی، واژه‌های مختلف "اولو" و "اولی" انتخاب شده است.</p> | ۱۸ |
| <p>عِدول کردن از صیغه ماضی به صیغه استقبال • "فَقَرِيفًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيفًا تَقْتُلُونَ" (بقره/ ۸۷) "تَقْتُلُونَ" در اصل "قتلتم" بوده است.</p> | ۳۹ | <p>حذف مفعول • "وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ" (بقره/ ۱۳) فعل "يعلمون" متعدی است و به مفعول نیاز دارد؛ ولی در اینجا مفعول "انهم هم السفهاء" حذف شده است.</p> | ۱۹ |
| <p>تغییر دادن بنای کلمه • "وَ طُورِ سِينِينَ" (تین/ ۲) کلمه در اصل "سینا" بوده که به شکل "سینین" آورده شده است.</p> | ۴۰ | <p>اکتفا به مفرد از آوردن تننیه • "فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى" (طه/ ۱۱۷) با توجه به مثنی بودن آیه باید صورت مثنی "فتشقی" به کار رود، حال آنکه شکل مفرد آن آمده است.</p> | ۲۰ |

۴. تحلیل داده‌ها

سبک‌شناسی، به عنوان یکی از روش‌های تحلیل متون ادبی امروزه بیشتر بر پایه مفاهیم مرتبط با هنجارگریزی استوار است. در این بخش نیز ما به ارائه و تحلیل داده‌های موجود از منظر هنجارگریزی می‌پردازیم. برای دستیابی به این هدف و به منظور انسجام‌بخشی هر چه بیشتر مباحث، هریک از موضوعات ذکر شده در جدول ۱، به تفکیک بر روی هر یک از ۱۸ سوره موردنظر پیاده‌سازی و نتایج آن

در جداول جداگانه به همراه فراوانی هر یک ارائه شده است. نماد ستاره، بیانگر تغییراتی با بیشترین فراوانی است. شایان ذکر است که به دلیل محدودیت‌های موجود در رابطه با میزان کلمات و صفحات مقاله، برای موارد چهل‌گانه جدول ۱، تنها به ذکر یک یا دو نمونه از چندین نمونه مورد بررسی در تحقیق بسنده شده است که در همان جدول ۱ آورده شده است. تمامی مثال‌ها برگرفته از داده‌های تحقیق حاضر است.

جدول ۲: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره حمد

تقدم مفعول بر فعل (۱)

جدول ۳: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره بقره

| | | |
|---|--|--|
| تقدم جارو مجرور/ مبتدای مؤخر (۱) | حذف مفعول به/ عدول از صیغه فعلی (۶) | *حذف مفعول به (۴۲) |
| جایگزین کردن ظاهر به جای ضمیر (۱) | تقدم مفعول (۴) | *تقدم جار و مجرور (۴۱) |
| جمع بین مجرورها/ مبتدای مؤخر (۱) | مبتدای مؤخر (۲) | گزینش صیغه مبالغه (۱۶) |
| تطابق نداشتن جمله اسمیه و فعلیه (۱) | تأخر مبتدا (۱) | تقدم جارو مجرور/ گزینش صیغه مبالغه (۱۰) |
| فاصله میان صفت و موصوف (۱) | اختصاص دادن هریک از دو مشترک (۱) | عدول از صیغه فعلی (۹) |
| آوردن یکی از دو جزء دو جمله بر خلاف وجهی که نظیر آن است (۱) | تقدم جار و مجرور/ گزینش صیغه مبالغه/ تأخیر انداختن وصف غیر بلیغ (۱) | حذف جواب شرط (۷) |

جدول ۴: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره آل عمران

| | | |
|-------------------------------------|---|------------------------|
| تقدم زمین بر آسمان (۱) | تقدم جار و مجرور/ گزینش صیغه مبالغه (۴) | *تقدم جار و مجرور (۲۴) |
| تقدم مفعول بر عامل (۱) | مبتدای مؤخر (۴) | *حذف مفعول به (۱۷) |
| حذف پاء (۱) | اختصاص دادن هریک از دو مشترک (۲) | حذف جواب شرط (۷) |
| فاصله بین معطوف و معطوف الیه (۱) | عدول از صیغه فعلی (۲) | گزینش صیغه مبالغه (۷) |

| | | |
|---------------------------------------|---|--|
| حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۶) | تقدم جار و مجرور / حذف فاعل و نیابت‌دادن مفعول (۱) | گزینش صیغه مبالغه / ترجیح قرائت (۱) |
|---------------------------------------|---|--|

جدول ۵: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره نساء

| | | |
|---------------------------|--|----------------------------------|
| *تقدم جار و مجرور (۴۷) | تقدم جار و مجرور / واقع‌شدن مفعول به جای فاعل (۱) | فاصله بین معطوف و معطوف الیه (۱) |
| فاصله بین فعل و مفعول (۶) | تقدم ظرف (۱) | |

جدول ۶: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره مائده

| | | |
|--|--------------------------|------------------------------------|
| *تقدم جار و مجرور (۱۶) | حذف جواب شرط (۳) | گزینش صیغه مبالغه (۱) |
| *حذف مفعول (۱۱) | عدول از صیغه فعلی (۲) | حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۱) |
| تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۵) | مبتدای مؤخر (۲) | |

جدول ۷: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره انعام

| | | |
|---------------------------------------|---|--------------------------------|
| *حذف مفعول (۲۷) | حذف جواب شرط (۲) | تقدم جار و مجرور / حذف تاء (۱) |
| *تقدم جار و مجرور (۲۲) | تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۲) | ترجیح قرائت (۱) |
| عدول از صیغه فعلی (۲) | تقدم جار و مجرور / حذف جواب شرط (۱) | حذف مفعول / حذف جواب شرط (۱) |
| حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۲) | | |

جدول ۸: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره اعراف

| | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|---|
| *حذف مفعول (۲۴) | استغناء جمع به مثنی (۲) | تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۱) |
| *تقدم جار و مجرور (۱۵) | تقدم مفعول بر فعل (۲) | فاصله بین صفت و موصوف (۱) |
| حذف جواب شرط (۵) | حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۲) | حذف یاء (۱) |
| گزینش صیغه مبالغه (۴) | عدول از صیغه فعلی (۲) | تقدم مفعول مطلق / حذف تاء (۱) |
| حذف مفعول / عدول از صیغه فعلی (۳) | اظهار اسم ظاهر به جای ضمیر (۱) | جمع بین مجرورات (۱) |

| | | |
|----------------|---|----------------------------------|
| تقدم مفعول (۳) | آوردن اسم مذکر به جای مؤنث (۱) | حذف تاء به دلیل کثرت استعمال (۱) |
| تقدم ظرف (۳) | تقدم جار و مجرور / آوردن حرف جر تأکید (۱) | حذف مفعول / حذف تاء (۱) |

جدول ۹: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره انفال

| | | |
|--|----------------|------------------------------------|
| * حذف مفعول (۸) | تقدم مفعول (۱) | حذف جواب شرط (۱) |
| * تقدم جار و مجرور (۷) | تقدم ظرف (۱) | حذف تاء (۱) |
| گزینش صیغه مبالغه (۴) | تکرار (۱) | حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۱) |
| تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۲) | | |

جدول ۱۰: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره توبه

| | | |
|-------------------------|--|------------------------------------|
| * حذف مفعول (۱۶) | تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۲) | تقدم مفعول (۱) |
| * گزینش صیغه مبالغه (۷) | تقدم جار و مجرور / مقدم شدن وصف بلیغ (۲) | تقدم ظرف (۱) |
| تقدم جار و مجرور (۶) | حذف جواب شرط (۲) | حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۱) |

جدول ۱۱: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره یونس

| | | | |
|------------------------------------|------------------------|-----------------------------------|-------------|
| * حذف مفعول (۲۳) | حذف جواب شرط (۳) | حذف مفعول / عدول از صیغه فعلی (۲) | حذف یاء (۱) |
| * تقدم جار و مجرور (۱۱) | تقدم مفعول بر فاعل (۲) | گزینش صیغه مبالغه (۱) | حذف تاء (۱) |
| حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۴) | تقدم ظرف (۲) | حذف ظرف (۱) | |

جدول ۱۳: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره هود

| | | |
|-------------------------|------------------------------------|--|
| * تقدم جار و مجرور (۲۰) | فاصله بین صفت و موصوف (۲) | تقدم ظرف (۱) |
| * حذف مفعول (۷) | گزینش صیغه مبالغه (۲) | تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۱) |
| مبتدای مؤخر (۵) | حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۱) | تقدم جار و مجرور / حذف فاعل و نیابت‌دادن به مفعول (۱) |
| تأخر مفعول (۲) | حذف جواب شرط (۱) | ترجیح استفاده از برخی از اوصاف مبالغه بر بعضی دیگر (۱) |
| حذف تاء (۲) | | |

جدول ۱۳: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره یوسف

| | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|--|
| تقدم جار و مجرور (۱۶) | حذف یاء (۳) | جایگزینی اسم ظاهر با ضمیر (۱) |
| *حذف مفعول (۷) | حذف مفعول / عدول از صیغه فعلی (۲) | جایگزین کردن غیر عاقل بر عاقل (۱) |
| گزینش صیغه مبالغه (۴) | حذف جواب شرط (۲) | تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۱) |
| تقدم جار و مجرور / حذف جواب شرط (۱) | | |

جدول ۱۴: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره رعد

| | | |
|----------------------------|-----------------------|--|
| *حذف یاء / مبتدای مؤخر (۵) | حذف یاء (۲) | تقدم جار و مجرور / حذف یاء / مبتدای مؤخر (۱) |
| *تقدم جار و مجرور (۴) | حذف مفعول (۱) | اختصاص دادن هر یک از دو وجه مشترک به یک مورد (۱) |
| مبتدای مؤخر (۳) | گزینش صیغه مبالغه (۱) | |

جدول ۱۵: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره ابراهیم

| | | |
|---------------------------|--|----------------------------|
| *تقدم جار و مجرور (۴) | حذف یاء (۱) | تأخر فاعل (۱) |
| *گزینش صیغه مبالغه (۳) | حذف مفعول (۱) | تأخر مفعول (۱) |
| مبتدای مؤخر (۲) | تقدم مفعول بر فاعل (۱) | استغناء به جمع از مفرد (۱) |
| فاصله بین صفت و موصوف (۲) | اختصاص دادن هر یک از دو وجه مشترک به یک مورد (۱) | |

جدول ۱۶: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره حجر

| | | |
|------------------------|------------------------------------|---------------------------|
| *تقدم جار و مجرور (۱۱) | حذف یاء (۲) | مبتدای مؤخر (۱) |
| *حذف مفعول (۵) | حذف جواب شرط (۲) | فاصله بین صفت و موصوف (۱) |
| گزینش صیغه مبالغه (۲) | حذف فاعل و نیابت دادن به مفعول (۲) | |

جدول ۱۷: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره نحل

| | | |
|------------------------|-----------------------------------|---|
| *حذف مفعول (۲۰) | تأخیر وصف غیر بلیغ (۲) | حذف تاء / حذف مفعول / عدول از صیغه فعلی (۱) |
| *تقدم جار و مجرور (۱۵) | آنچه در فواصل مانع نصب می‌شود (۱) | حذف مفعول / عدول از صیغه فعلی (۱) |

| | | |
|---------------------------------------|---|-----------------------|
| حذف فاعل و نیابت دادن به مفعول (۵) | تقدم جار و مجرور / گزینش صیغه مبالغه (۱) | عدول از صیغه فعلی (۱) |
| تقدم مفعول بر فاعل (۴) | تقدم جار و مجرور / حذف مفعول (۱) | حذف تاء (۱) |
| حذف جواب شرط (۳) | | |

جدول ۱۸: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره اسراء

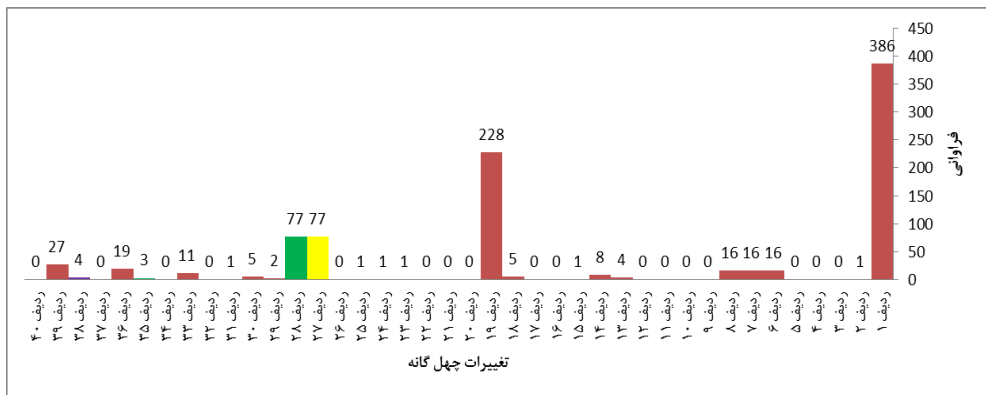
| | | | |
|---------------------------|-------------------------|-------------------------------------|---|
| *تأخر مفعول (۸) | تقدم جار و مجرور (۶) | جمع بین مجرورها / تأخر مفعول (۱) | مقدم شدن صفت جمله بر صفت از نوع کلمه (۱) |
| *گزینش صیغه مبالغه (۷) | جمع بین مجرورها (۱) | جایگزینی مفعول به جای فاعل (۱) | |

جدول ۱۹: نوع و فراوانی تغییرات فواصل سوره كهف

| | | | |
|-----------------------------------|-------------------------|----------------------------------|-----------------|
| *تأخر مفعول (۴۵) | تأخر تمییز (۱) | حذف مضاف‌الیه (۱) | ترجیح قرائت (۲) |
| تقدم جار و مجرور / تأخر مفعول (۲) | تقدم جار و مجرور (۱) | جایگزینی اسم ظاهر با ضمیر (۱) | |

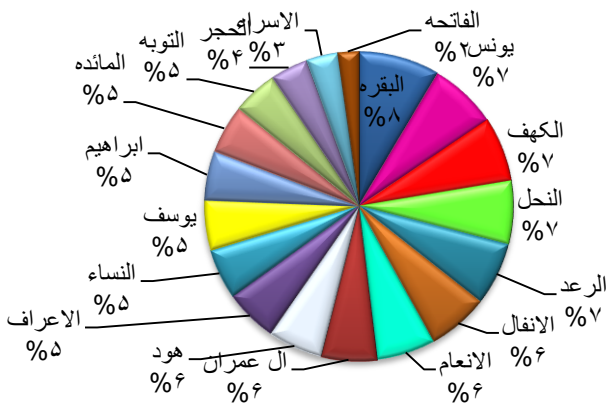
با توجه به جداول ۲ تا ۱۹، بسامد تغییرات هر یک از موارد چهل‌گانه جدول ۱ در فواصل آیات به

شرح ذیل است (شکل ۱):



شکل ۱: میزان تغییرات ساختاری فواصل آیات ۱۵ جزء آغازین قرآن براساس ملاک‌های چهل‌گانه ابن صائغ

داده‌های شکل ۱ نشان می‌دهد که از مجموع ۲۲۶۷ آیه مورد مطالعه، تنها در ۹۱۰ مورد، فراهنجاری زبانی از انواع مختلف (۲۵ نوع تغییر) اتفاق افتاده و در آیات دیگر، با توجه به ملاک‌های ارائه‌شده هیچ ساختارشکنی صورت نگرفته است. شایان ذکر است که تغییرات مربوط به ردیف‌های ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۳۲، ۳۴، ۳۷ و ۴۰ جدول ۱، در پانزده جزء آغازین قرآن به کار نرفته است. البته همان‌طور که خرقانی (۱۳۹۰) به درستی اشاره می‌کند، بسیاری از موارد چهل‌گانه جدول ۱ را می‌توان در هم ادغام کرد و آن‌ها را تحت یک مجموعه معرفی کرد. به این ترتیب که پنج مورد اول، تحت عنوان تقدیم و تأخر، موارد شش تا هشت، تحت عنوان حذف حرف یاء، موارد ۱۱ و ۱۲ تحت عنوان انتخاب جنبه مذکر یا مؤنث بودن اسم جنسی که می‌تواند هم مؤنث و هم مذکر باشد و از مورد ۱۳ تا پایان موارد، ذیل عنوان گزینش برخی واژگان یا ساختارهای زبانی به جای یکدیگر، می‌تواند قرار گیرد. علاوه بر این، مقایسه نوع و تعداد تغییرات صورت گرفته در سور مکی و مدنی نشان می‌دهد که سور مکی با ۲۳ نوع تغییر و سور مدنی با ۲۲ نوع تغییر، به ترتیب سهمی معادل ۵۴٪ و ۴۶٪ تغییرات را به خود اختصاص داده‌اند. همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین عواملی مانند مکی یا مدنی بودن سور یا تعداد آیات سور از یک سو و تعداد تغییرات ساختاری مشاهده‌شده در آن‌ها در سوی دیگر وجود ندارد؛ اگرچه بیشترین و کمترین میزان تغییر به ترتیب مربوط به بلندترین و کوتاه‌ترین سوره موجود در این ۱۵ جزء است.



شکل ۲ میزان درصد تغییرات صورت گرفته در سور پانزده جزء اول

در توضیح تفاوت‌های موجود بین این دو گروه به دو دلیل اصلی می‌توان اشاره کرد: اول این که تعداد سور مکی نسبت به مدنی در این ۱۵ جزء بیشتر است و دوم اینکه بسامد تغییر از نوع تأخر مفعول در سور مدنی صفر است، حال آنکه این تغییر از نظر فراوانی، در سور مکی جایگاه سوم را به خود اختصاص داده است.

از طرف دیگر، بررسی داده‌ها به خوبی مشخص می‌کند که در فواصل آیات ۱۵ جزء آغازین قرآن، تغییراتی از نوع تقدّم جار و مجرور، حذف مفعول، تأخر مفعول به ترتیب بیشترین سهم را در میان انواع تغییرات ذکر شده به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع بیانگر آن است که در این بخش از متن قرآن، فرائض دستوری شامل انواع حذف‌ها، ایجاد قالب و ساختار با جابه‌جایی جملات، تقدّم و تأخر اجزاء و مواردی نظیر آن عمده‌ترین نوع هنجار‌گزینی محسوب می‌شوند. اگر طبق نظر لیچ هنجار‌گزینی دستوری را شامل دو گروه اصلی نحوی و ساختواژی در نظر بگیریم و از طرف دیگر، هنجار‌گزینی نحوی را به دو شکل انحراف از ساخت‌های روساختی و انحراف از ساختارهای ژرف‌ساختی لحاظ کنیم (Leech, 1969, 45)، در این صورت نمونه‌های مورد بررسی در گروه هنجار‌گزینی نحوی از نوع انحراف ساخت‌های روساختی قرار می‌گیرند. باید توجه داشت که هنجار‌گزینی دستوری، دشوارترین نوع هنجار‌گزینی در هر زبانی قلمداد می‌شود؛ زیرا امکانات دستوری، حوزه اختیار و انتخاب دستوری، جزء محدودترین امکانات زبانی هر زبان است. در هنجار‌گزینی دستوری، خالق متن با استفاده از امکانات دستوری زبان از جمله شکستن الگوی چینش عناصر خودایستای زبانی و برهم زدن نظم و ساختار زبان معیار، نوعی برجسته‌سازی را شکل می‌دهد. به بیان دیگر، گوینده یا نویسنده با تغییر کلیشه‌های دستوری زبان و دگرگونی قراردادهای هنجارهای عادی کلام و به تبع آن ایجاد برجسته‌سازی، سبک خاص خود را می‌سازد.

فرائض‌های واژگانی از جمله ترجیح استفاده از برخی از اوصاف مبالغه بر بعضی دیگر، از نظر فراوانی در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند. همچنین فرائض‌های آوایی نظیر ترجیح قرائتی خاص که خالق متن در آن از تغییرات آوایی به منظور حفظ جلوه موسیقایی متن بهره‌می‌گیرد، با اختلاف بسیار چشمگیر در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که تغییرات ذکر شده از سوی ابن صائغ به‌طور کلی بر محور این سه نوع فرائض‌سازی می‌چرخد.

همان‌طور که ذکر شد، تقدّم جار و مجرور و تأخّر مفعول جزء مواردی هستند که بیشترین نقش را در میان فرائنجاری‌های زبانی در پانزده جزء آغازین ایفا می‌کنند. تقدیم و تأخیر صرفاً یک جابجایی ساده و تصادفی میان دو واژه نیست که به راحتی رعایت آن برای هر نویسنده و خالق اثر ادبی آسان باشد؛ بلکه این جابجایی کاملاً وابسته به بافت و هماهنگی با سایر ظرافت‌های موجود در آن صورت‌می‌گیرد. از نگاه قرآن‌پژوهان در ورای هر تقدیم و تأخّری در قرآن، اندیشه و حکمتی نهفته است. تقدیم و تأخیر در آیات قرآن را می‌توان به طور کلی به دو گروه تقدیم و تأخیر زمانی و مکانی تقسیم کرد که هر یک به منظور خاصی صورت‌می‌گیرند. دلایل متعددی همچون مراعات فواصل، مراعات سیاق، حسن انتظام کلام، افاده حصر و تخصیص، اراده ترتیب، تحقق مابعد، تحذیر و تنفیر، تحضیض و اهتمام، تنبیه بر اطلاق، سببیت، سبق، مناسبت، مراعات افراد، غلبه و کثرت، تبکیت و نظیر آن در این رابطه مؤثر هستند.

برای نمونه در رابطه با تقدّم جار و مجرور که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌است، قادری و همکارانش (۱۳۹۶) دلایل مختلفی را برشمرده‌اند. آن‌ها معتقدند که (۱) گاهی جار و مجرور مقدّم می‌شود زیرا در برخی موارد اصل بر تقدیم آن است؛ (۲) در مواردی سیاق و فضای حاکم بر آیات قبلی و بعدی متضمّن اموری است که متناسب با آن، این اتفاق رخ می‌دهد؛ (۳) گاهی ساختار آیات و بیان اهمیت چیزی در مقابل چیز دیگر منجر به این جابجایی می‌شود؛ (۴) مثل‌های قرآنی و پیامی که در آن نهفته است و آنچه جار و مجرور بدان تعلق دارد، گاهی باعث این تقدیم می‌شود؛ و (۵) موضوع تنبیه مردم و بهره‌رساندن به آن‌ها نیز می‌تواند منجر به این ساختارشکنی شود.

در مورد حذف عناصر زبانی در آیات قرآن نیز باید به این نکته توجه داشت که توازنی بسیار دقیق در ذکر عناصر و اجزای آیات یا حذف آن‌ها مشاهده می‌شود که سیاق کلی آیات، راهنما و معیاری برجسته در تعیین ذکر یا حذف این عناصر است. به‌طور کلی، حذف‌های قرآنی برای برجسته ساختن پیامی خاص و خروج از یکنواخت بودن و ایجاد فضایی ویژه از مفاهیم، شکل پیدا کرده‌اند. با استفاده از این ویژگی و با حفظ اصل رسانگی و شفافیت، خالق این متن مقدّس، بیشترین اندیشه را با کمترین واژگان ارائه داده‌است و این در حالی است که کوچکترین خللی در فهم مخاطب پیام ایجاد نشده‌است. در مورد دلیل حذف مفعول که به کرات در این پانزده جزء رخ داده نیز می‌توان به عواملی همچون قبج بیان مفعول، عدم نیاز به بیان مفعول، عمومیت و فراگیری و مشخص بودن مفعول بر اساس قرینه‌های

حالی و معنوی اشاره کرد. در این موارد، حذف بخشی از کلام، علاوه بر اینکه موجب رعایت اصل اختصار شده است، دلالت معنایی متن را افزایش داده است. به این ترتیب، حذف موجود در آیات قرآن به مخاطب فرصت پویایی و کشف می‌بخشد که به تبع آن تعاملی عمیق تر بین مخاطب و متن شکل می‌گیرد.

به طور خلاصه می‌توان گفت در رابطه با توضیح چرایی فراهنجارهای صورت گرفته در فواصل آیات که خارج از حیطه پژوهش حاضر است، اندیشمندان اتفاق نظر ندارند و از دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی به آن پرداخته‌اند. برای نمونه برخی همچون فراء، ابن اثیر و حسان در توضیح این تغییرات به مباحث زبانشناختی اشاره کرده‌اند و گروهی همچون زمخشری، عبده و بنت الشاطی برای این تغییرات انگیزه‌ها و دلایل بلاغی و اغراضی ذکر کرده‌اند و آن‌ها را عمدتاً ناشی از مقتضیات معنایی دانسته‌اند. البته در میانه طیف، افرادی قرار دارند که نگرش ترکیبی را برگزیده‌اند و هر دو مورد قبلی را دلیلی برای این هنجار‌گزینی‌ها می‌دانند (خرقانی، ۱۳۹۰). اما آنچه در این میان پرواضح است این است که سوای از چرایی این تغییرات، این گریز از آرایش بی‌نشان زبان به موسیقایی شدن متن و حفظ هارمونی و موسیقی فواصل انجامیده است که یکی از ویژگی‌های اعجاز لفظی قرآن محسوب می‌شود. علاوه بر این، مجموعه این هنجار‌گزینی‌ها که خود به شکلی هدف‌مند، نقش‌مند و جهت‌مند صورت گرفته است منجر به ابداعی ادبی شده که نه تنها انسجام و یکپارچگی متن را به همراه داشته، بلکه خوانش گر و مخاطب را با خود همراه ساخته و او را به تأمل وامی‌دارد.

۵. نتیجه‌گیری

اولین چیزی که در مواجهه با قرآن ذهن مخاطب را درگیر می‌کند، ویژگی‌های سبکی منحصر به فرد آن است. یکی از این ویژگی‌های سبکی، هارمونی موجود در فواصل آیات است که در بسیاری از موارد با به‌کارگیری ترفندهای زبانی از جمله هنجار‌گزینی زبانی شکل گرفته است اما این هنجار‌گزینی‌ها تا حدی پیش‌رفته است که ایجاد ارتباط مختل نشده و برجسته‌سازی به خوبی قابل تعبیر است. بررسی تغییرات صورت گرفته در فواصل آیات ۱۵ جزء آغازین قرآن بر اساس ملاک‌های ابن صائغ نشان می‌دهد که:

در بیش از ۴۰ درصد آیات، فراهنجاری صورت گرفته است.

تنها ۲۵ مورد از موارد چهل‌گانه ابن صائغ در این بخش از قرآن به کار رفته‌است. موارد مربوط به خانه‌های ۱، ۱۹، ۲۷ و ۲۸ جدول ۱ (تغییرات چهل‌گانه)، بیشترین سهم را در میان تغییرات به خود اختصاص داده‌اند.

با وجود این که به دلیل وجود محدودیت‌های زبانی حوزه دستور، فراهنجاری‌های دستوری دشوارترین نوع فراهنجاری زبانی محسوب می‌شوند، بیشترین فراوانی عدول از زبان معیار در این ۱۵ جزء، مربوط به‌هنجارگریزی دستوری از نوع نحوی است که با تفاوتی چشمگیر از نظر فراوانی پیش‌تاز است و فراهنجاری‌های واژگانی و آوایی به ترتیب در مراتب بعدی قرار می‌گیرند.

فراهنجاری‌های نحوی مشاهده‌شده از نوع انحراف از ساختار روساختی جمله است. بیشترین نوع تغییرات مربوط به تقدیم و تأخرها (به خصوص تقدیم و تأخر جار و مجرور، تأخر مفعول) و حذفیات (به‌ویژه حذف مفعول) است.

قبح بیان مفعول، عدم نیاز به بیان مفعول، عمومیت و فراگیری و مشخص‌بودن مفعول براساس قرینه‌های حالی و معنوی از دلایل حذف مفعول محسوب می‌شوند.

از میان عوامل مختلف، مواردی مانند ساختار و سیاق آیات و مراعات فواصل از جمله اصلی‌ترین موارد تقدم جار و مجرور محسوب می‌شوند.

میزان تغییرات و فراوانی سور مکی بیش از مدنی است که این موضوع ناشی از تعداد بیشتر سور مکی و همچنین فقدان فراهنجاری از نوع تأخر مفعول در سور مدنی است.

رابطه معنی‌داری بین تعداد آیات یک سوره و میزان تغییرات صورت‌گرفته وجود ندارد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که متن قرآن از نهایت برجسته‌سازی برخوردار است و هنجارگریزی‌های زبانی به‌کاررفته در آن به بخش یا بخش‌هایی از متن منحصر نمی‌شود، بلکه تمام متن را در بر گرفته‌است. در سراسر متن، خالق اثر حد مطلوبی را به عنوان نقطه سازش انتخاب کرده‌است به‌شکلی که با وجود حفظ آراستگی صوری متن، همچنان به رسایی و شفافیت معنایی لطمه‌ای وارد نشده‌است. جایگاه انتخاب‌شده برای این نقطه سازش بر روی پیوستار تعارض، همان چیزی است که سبک منحصر‌به‌فرد قرآن را شکل داده‌است. به‌بیان دیگر، تمام این مؤلفه‌های مختلف که در خدمت ساختارشکنی متن درآمده‌اند در کنار دیگر ظرفیت‌های زبانی ویژه قرآن، علاوه بر نظم‌آفرینی، نوعی موازنه موسیقایی و ضرب‌آهنگ خاص در فواصل آیات خلق کرده‌اند که خواننده را وادار می‌کند از طریق توجه به نقش

عناصر نظم‌آفرین و با تأمل در آن‌ها، ضمن کشف مقاصد زیباشناختی این فراهنجاری‌ها، ارتباط بیشتری با متن برقرار کند که نتیجه آن درک عمیق‌تر پیام این کتاب مقدس است.

۶. منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، (۱۴۰۴)، بیروت، دارالفکر، جلد ۱.
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمدبن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۳. ابوحسان، جمال محمود، (۱۴۳۱)، الدلالات المعنویة لفواصل الآيات القرآنیة دراسة فی بیان القرآن الکریم وإعجازه، عمان، دار الفتح للدراسات و النشر.
۴. الدانی، عثمان بن سعید، (۱۴۱۴)، البیان فی عد آی القرآن، کویت، مرکز المخطوطات و التراث.
۵. المرسی، کمال‌الدین عبدالغنی، (۱۴۲۰)، فواصل الآيات القرآنیة، اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث.
۶. انوشه، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. آیدین، محمد مصطفی، (۱۴۰۹)، الاسماء الحسنی و مناسبتها للآيات التي ختمت بها من اول سورة المائدة الى آخر سورة المومنون، مکه، جامعه ام القرى.
۸. باقلانی، قاضی ابوبکر محمد بن الطیب، (۱۴۲۱)، اعجاز القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. حسناوی، محمد، (۱۴۲۱)، الفاصله فی القرآن، عمان، دار عمار.
۱۰. خضر، السید، (۱۴۲۰)، الفواصل القرآنیة: دراسة بلاغیة دلالیة، قاهره، مکتبه الآداب.
۱۱. رمانی، علی بن عیسی، (۱۴۲۹)، الکنز فی اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف.
۱۲. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالمعرفه.
۱۳. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۱)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۴. موکاروفسکی، یان، (۱۳۷۱)، زبان معیار و زبان شعر، ترجمه احمد اخوت، اصفهان، کتاب شعر، جلد ۲.
۱۵. ویس، احمد محمد، (۲۰۰۲)، الانزیاح فی التراث النقدي و البلاغی، دمشق، اتحاد الکتب العرب.
۱۶. آخوندی، علی اصغر، (۱۳۹۶)، «بازشناسی کارکردهای تفسیری فاصله»، پژوهش‌های قرآنی، ۲۲، (۸۵)، ۳۰-۵۳.

۱۷. اناری بزچلوئی، ابراهیم، رسولی، احسان، سجادی، سید ابوالفضل و امیدعلی، احمد، (۱۳۹۹)، «هنجارگریزی و برجسته سازی در سوره طه از دیدگاه لیچ»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، (۱۹)، ۹، ۱۷۸-۱۵۱.
۱۸. جعفرنژاد، زینب و مجیدی، حسن، (۱۳۹۷)، «بررسی فراهنجاری در قرآن»، سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، کرج، ۱۸ اسفندماه. کرج. ایران.
۱۹. حیدری، ی‌الله و سلیمان‌زاده نجفی، سیدرضا، (۱۳۹۷)، «دلالت‌های معنایی فراهنجار تقدیم حال قرآنی و بازتاب آن در سه ترجمه فارسی، مورد پژوهش: ترجمه‌های فولادوند، خرمشاهی و حداد عادل»، مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، (۳)، ۲، ۴۶-۶۵.
۲۰. خرقانی، حسن، (۱۳۹۰)، «فراهنجاری‌های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیبا شناسانه و معناشناسانه آن»، علوم قرآن و حدیث، (۲)، ۴۳، ۱۳۶-۱۰۹.
۲۱. راستگو، کبری و جنتی اصیل، زهره، (۱۳۹۸)، «خوانش سبک‌شناختی فراهنجاری نحوی در قصص قرآنی: مطالعه موردی عدول از ماضی به استقبال»، مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، (۴)، ۳، ۷۲-۵۹.
۲۲. رجایی، مهدی و خاقانی اصفهانی، محمد، (۱۳۹۳)، «نقش هنجارگریزی واژگانی در کشف لایه‌های معنایی قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، (۲)، ۳، ۱۳۴-۱۱۷.
۲۳. صدیقی‌خانلو، راضیه، پاشازانوس، احمد، (۱۳۹۸)، «بررسی بُعد معنایی هنجارگریزی صرفی در دو سوره انعام و اعراف»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، (۳)، ۷، ۵۰-۲۷.
۲۴. فرضی‌شوب، فرشته و محمدی نژاد، مهدی، (۱۳۹۸)، «هنجارگریزی نحوی در گفتمان قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، (۹۰)، ۲۴، ۵۰-۳۱.
۲۵. فلاحی، کتابون، صمدی، زهرا و باوان‌پوری، مسعود، (۱۳۹۹)، «آشنایی‌زدایی در قرآن کریم با تکیه بر هنجارگریزی نحوی: جزء بیست و نهم»، مطالعات قرآنی، (۴۳)، ۱۱، ۲۹۹-۲۷۱.
۲۶. قادری، قادر، حاجی، حمزه و صدیقی، جعفر، (۱۳۹۶)، «بررسی تقدّم و تاخّر جار و مجرورها: مطالعه موردی قرآن کریم»، مشکاه، (۳)، ۳۶، ۹۵-۷۹.
۲۷. قلیچ پاسه، آشور و بیات کشکولی، مژگان، (۱۳۹۶)، «هنجارگریزی نحوی در سوره بقره»، سومین کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن، ششم اسفندماه، گرگان، ایران.
۲۸. مختاری، قاسم و شانقی، غلامرضا، (۱۳۹۵)، «تطبیق عناصر زیبایی‌شناسی قرآن کریم با نظریه هنجارگریزی نحوی نمونه مورد پژوهش: سوره مبارکه کهف»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، (۱)، ۴، ۸۸-۶۰.
۳۰. مختاری، قاسم و فرجی، مطهره، (۱۳۹۲)، «آشنای‌زدایی در جزء سی‌ام قرآن کریم»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، (۲)، ۱۱۶-۹۳.

۳۱. یافی، نعیم، (۱۴۰۴)، «قواعد تشکل النغم فی الموسیقی»، التراث العربی، (۱۶ و ۱۵)، ۱۵۳-۱۳۲.

32. Leech, G.N., (1969), A Linguistic Guide to English Poetry, London, Longman.

Linguistic Deviation of Ayah Endings from Ibn Sayegh's Point of View: The Case of The First Fifteen Ajza' of the Qur'an

Farzaneh Tajabadi¹

Maryam Ghiyas Zareiyan²

Abstract

A distinctive characteristic of the Qur'anic language is the linguistic deviation that dynamically affects the general structure of the Qur'an. The present study aimed to investigate this linguistic phenomenon in the case of the first fifteen Ajza' of the Qur'an (totaling 2267 ayahs) based on the viewpoint of Ibn as-Sayegh and the methods he presented for the harmony of ayah endings. This research seeks to, in qualitative and quantitative ways, provide objective and extensional examples of how the Qur'an has represented this linguistic phenomenon. The results indicate that out of the forty deviation patterns proposed by Ya'ish ibn Ali Ibn Sayegh, twenty-five patterns corresponded to 40% of the studied data. Grammatical deviations account for the largest share of changes, and to a much lesser degree, lexical and phonetic variations constitute smaller shares. The most distinctive kinds of deviations are the fronting of *jār* and *majrur*, the elimination and tailing of the object, and the selection of the exaggeration form, respectively. In addition, there was no significant relationship between type and frequency of changes and the number of surahs' ayahs.

Keywords: linguistic deviation, standard language, the Qur'an, ayah endings, Ibn Sayegh.

* *Date Received: January 3, 2022; Date Accepted: June 8, 2022

1. Corresponding author: Assistant Professor, Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University; Email: f_tjabadi@sbu.ac.ir

2. Master of Quranic Studies, Interdisciplinary Quranic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University; Email: m.ghiyaszareiyan@mail.sbu.ac.ir